سرمایه اجتماعی: مفاهیم اصلی و چارچوب نظری

*دکتر مريم شريفيان ثاني

چکیده
در سالهای اخیر شاهد ورود و افزایش سرمایه اجتماعی در سازمان‌های صنایع و اقتصادی و محیطی ایفا می‌کند. سرمایه اجتماعی به عنوان عامل برای موثریت در برنامه‌های رفاه اجتماعی، از مهم‌ترین موردهای بحث‌قرار می‌گیرد و به همین دلیل نیز امرروز در بررسی و تدوین شاخص‌های اجتماعی و توسیع توسط سازمان‌های مختلف مهم‌ترین مفاهیم مشترک در تعیین متغیرهای اجتماعی می‌باشد. به راحتی اشاره ای به تفاوت سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی پیش می‌برد و اگر به ظرفیت جدی‌تر بحث سرمایه اجتماعی و مشکلات اجتماعی را با تأکید بر عامل اعتماد مورد بحث قرار می‌دهد.

*دکتر در علوم اجتماعی (پژوهش)، استادیار، دانشگاه علوم پزشکی و توانبخشی
مقدمه

بیماری از افراد با واره سرمایه اجتماعی ۱، آشنایی نیستند. در زبان روزمره، بیشتر در مورد بانک اجتماعی ۲، صحبت می‌شود تا سرمایه اجتماعی، بنابراین، سرمایه اجتماعی چیست؟ عناصر تشکیل دهنده ان کدامند؟ سرمایه اجتماعی را ماده خام جامعه مدنی دانسته اند. این سرمایه از تعامل های هر روز بين افراد به وجود می‌آید. این سرمایه، به تنها در فرد یا ساختار اجتماعی تکثیری نیست، بلکه در پیام‌های تعامل های بین افراد وجود دارد. مایکل سازمان، بازار و یا دولت نیست، هر چند که همه آنها در تولید آن سهم هستند (بولن و ایکس، ۱۹۹۸). سرمایه اجتماعی پدیده‌ای از پتانسیلهای بالاست. ۳ سازمان‌های ارائه دهنده خدمات رفاهی و اجتماعی بايد بدانند که سرمایه اجتماعی چیست؟ از مطالعات مربوط با خبر باشند و کاربردهای آن‌ها در خدمات خود به خصوص در خدماتی که در سطح اجتماعات محلی ارائه می‌شود به خوبی بشناسند.

سیرمایه اجتماعی چیست؟

سیرمایه اجتماعی به گونه‌های مختلف توسط پژوهشگران متفاوت تعیین شده است (جاکوب، ۱۹۶۱؛ کلمن، ۱۹۸۸؛ بوردو، ۱۹۸۶؛ پوشنام، ۱۹۹۵؛ کاکس، ۱۹۹۵؛ ول کاک، ۱۹۹۷; پورترز، ۱۹۹۸؛ فورکام، ۱۹۹۹؛ پاکستان، ۱۹۹۹). با چنین نظرات ابراز شده من این سیرمایه اجتماعی را: مجموعه ای از شیب‌ها، هنرجویی‌ها، ارزش‌ها و درکی دانسته که همکاری درون گروه‌ها و بین گروه‌ها را در جهت کسب منافع متقابل، تسهیل می‌کند.

این سیرمایه را غالباً با نظر مشارکت افراد در زندگی جمعی و وجود عامل اعتماد در بین آنان بیان می‌کند. گزارش اخیر سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه (او.ای. سی. دی، ۲۰۰۱) جمله به‌هود سلامت، خشونتی بی‌شمار، مراقبت بهتر از کودکان، جرایم کمتر و

۱. Social capital
۲. Social fabric
۳. Bottom-up
۴. Community level
فرصت‌های علمی و پژوهشی رفع اجتماعی، سال 1، شماره 2

برخورداری از حكومتی بهتر در ارتباط می‌بیند. به طوریکه به تحقیقی اشاره شده است که نشان می‌دهد، پیوستگی اجتماعی موجب کاهش خطر ابتلا به بیماری آلزایمر می‌شود و یا پیوستگی اجتماعی مادران، خطر کودک آزاری و مشکلات اجتماعی در بین کودکان و نوجوانان را کاهش می‌دهد و یا اینکه وجود اعتماد در همسایگی، با نرخ کمتر وقوع جرم همراه است.

در بررسی دیگری (لدن و دیگران، 1999) گفته شده است که از اشکال و هنگام و مسکن همیاران مشترک می‌تواند سطح خشونت در جامعه را کاهش دهد و یا افزایش نگه دارد و در نتیجه از وقوع جرم و خشونت پیشگیری کند. این تحقیق در ۱۳۹۸ توسط پژوهشگران یافته و در حال توسیع انجام شده است.

سرماهم اجتماعی در خانواده باعث فرآیند آوردن شبکه حماوت برای اعضای خانواده می‌شود که در مواقع فقر و بیکاری به کمک می‌آید. این حمایت می‌تواند مصرف مواد مخدر و خشونت خانگی را که به رفتارهای خشونت بار در جامعه می‌انجامد، کاهش دهد. این ارتباط دو سویه است، یعنی علاوه بر زیانی که جرم و خشونت بر سلامت و اقتصاد جامعه وارد می‌آورد، هزینه مستقیم نیز بر سرمایه اجتماعی در بر دارد (موسر و هندن، 1997) عواقب چنین وضعیت به سکون‌های مختلف جهان می‌نماید:

- تاریخچه و مهاجرت طبیعی متوسط شهری
- کاهش دسترسی به خدمات اجتماعی
- افزایش خانواده های کر رفتار
- ایجاد فضای نرس و وحشت که جایگزین روح همکاری و مشارکت در
- زندگی اجتماعی می‌شود.

رابطه سرمایه اجتماعی با بهداشت نیز ثابت شده است. از سال 1901 که رابطه بین نرخ خودکشی و پیکارچگی اجتماعی توسط امیل رودریک تشخیص داده شد، تحقیقات نشان داده است که سرمایه اجتماعی بالاتر و انسجام اجتماعی بیشتر، به بهبود روابط بهداشت جامعه کمک می‌کند (کاراچی و دیگران، 1997؛ بیام، 1999؛ کاراچی و دیگران، 1997) در تحقیقات خود تنها می‌گیرند، اعتمادی که در شبکه های رسمی و غیر رسمی وجود دارد، به مردم کمک می‌کند تا:

1. Social cohesion
سرمایه اجتماعی

- به آموزش بهداشت و اطلاعات دسترسی یابند.
- نظام های بهتری از ارائه مراقبت بهداشتی را طراحی کنند.
- برای ساختن زنر بهداشتی بهداشتی و اصلاح آن، به طور جمعی اقدام کنند.
- تلاش‌های پیشگیری را ارتقا دهند.
- هنگرهای فرهنگی را مطرح کنند که برای ارتقای بهداشتی تعيین کنند

است.

می‌دانیم که مراقبت بهداشتی از طریق حکومت (تمهیدات عمومی)، بازار (تمهیدات خصوصی) یا خانواده و اجتماع (تمهیدات داوطلبانه) و یا مجموعه‌ای از اینها، فرآهم می‌شود. سرمایه اجتماعی در بین هر گروهی آرایه‌گذاری می‌تواند بازده سلامت را بهبود بخشد، زیرا افراد جامعه از کسانی که مورد اعتمادان هستند، حرف شنوده بهتری دارند.

در گزارش سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسیع (او.ای.سی، دی. 2001) نیز آمده است که بر اساس تحقیقات انجام شده، مناطق آبیالاتی که از سطح بالاتری از اعتماد و مشارکت برخوردارند، معمولاً حکومتهایی با کیفیت بالاتر دارند.

مسأله اعتماد بین مردم و حکومت یکی از مباحث قبل توجه در ایجاد سرمایه اجتماعی است که بعداً نیز در همین مقاله به آن خواهیم پرداخت.

تحقیقات نشان داده است (لیچ و دیگران، 1994) که در ایرانی کودکی از سرمایه اجتماعی خانواده و جامعه، احتیاطی تری تحصیل وی را کاهش می‌دهد. کلمن (1988) نیز رابطه سرمایه اجتماعی در خانواده و مورفیست تحصیلی دانش آموزان را مورد توجه قرار داده است.

مفهوم مشترک در تعریف سرمایه اجتماعی

با مورفی بر تعریف مختلف سرمایه اجتماعی در متن علمی که طی سال‌های اخیر منتشر شده است، به مفاهیم مشترکی بر می‌خوریم که در نظریه پردازی سرمایه اجتماعی از آن استفاده می‌شود. برخی از این مفاهیم عبارتند از: مشارکت در شیکه‌ها، بدهی بسیار بین افراد، اعتماد، هنگرهای اجتماعی، استفاده از منابع مشترک، کنگرایی، و...

1. Reciprocity
2. Social norms
3. Proactivity
4. Trust
5. Commons
بر اساس تحقیقی که، به منظور اندازه گیری سرمایه اجتماعی در پنج اجتماع مختلف در استرالیا انجام شده است (بولن و اتیکس؛ 1999)، 8 عنصر معرف سرمایه اجتماعی شناسایی می شود:

- مشارکت در اجتماع محلی
- کشگری در یک موقعیت اجتماعی
- احساس اعتماد و امنیت
- پیوندهای همسایگی
- پیوندهای دولتی و خانوادگی
- ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها
- بها دادن به زندگی
- پیوندهای کاری

از موارد فوق، چهار مورد: مشارکت در اجتماع محلی، پیوندهای همسایگی، پیوندهای خانوادگی و پیوندهای کاری به مشارکت و پیوندهای ارتباطی می شوند و چهار مورد دیگر عبارتند از: کشگری در یک موقعیت اجتماعی، احساس اعتماد و امنیت، ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها و بها دادن به زندگی، سنگ بنای سرمایه اجتماعی هستند.

سرماهی اجتماعی، یکی از اجزای ثروت ملّت‌ها و توسعه پایدار یکی از نظایر پردازی های نسبتاً متغاورت از توسعه پایدار، بر اساس دیدگاه چهار نوع سرمایه از سوی بانک جهانی ارائه شده است (پیرس، 1993؛ بانک جهانی، 1997 در کمیسیون اروپا، 2000).
توسعه پایدار با توجه به ثروت ملّل نظریه پردازی می شود و به معنی حفظ یا غنا بیشترین به ثروت برای نسل‌های آینده است. دیدگاه بانک جهانی، بین چهار جزء تنشگی دهنده ثروت ملت‌ها تمایز قابل می شود:

سرماهی طبیعی: موجودی دارایی های محیطی مثل زمین، آب، جنگل، معادن، گیاهان و جانوران که به وسیله محیطی توسعه پایدار مربوط می شود.

سرماهی تولید شده توسط دست ساز باشر: موجودی مانند آلات،

1. Tolerance of diversity
کارخانه‌ها، ساختن‌ها و تجهیزات زیر بنا‌ی‌ی، مثل خطوط راه‌آهن و جاده‌ها که بر بعد اقتصادی توسعه پایدار دلالت دارند.

سرمایه انسانی: ظرفیت‌های سازندگی افراد که بر مهارت، آموزش و بهداشت مبتنی است و همراه با سرمایه اجتماعی - بعد اجتماعی توسعه پایدار را تشکیل می‌دهد.

سرمایه اجتماعی: شکاف‌ها، انجمن‌ها و موسساتی که با اهمیت‌های مشترک و روابط متقان بر اعتماد شکل می‌گیرند و همکاری را تسهیل می‌کند.

از این دیدگاه، سرمایه اجتماعی جزئی تفکیک ناپذیر از جمعیت ثروت یک ملت است که در چارچوب نظیره توسعه پایدار، ایجاد و حفظ آن و غنای بخشیدن به آن برای استفاده نسل آینده، از اهدافی است که توسعه پایدار ملزم به پیگیری آن است.

نکته‌ای که یادآوری آن در این بحث می‌فید به نظر می‌رسد، تفاوت بین سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی است. هر چند که این دو نوع سرمایه در کنار یکدیگر به اضلاع اجتماعی توسعه پایدار را تشکیل می‌دهند، اما نمی‌توانیم در بحثی علمی خود آنها را به یک دیگر یکسان باشیم. زیرا تفاوت‌های عمده‌ای از جمله در محاسبه داده‌ها و اندیشه‌گری پایدار خود دارند.

تفاوت بین سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی

شوار (1997) تفاوت سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی را در موارد زیر دست‌بندی می‌کند:

- سرمایه انسانی بر عامل فردی تکیه دارد، در حالی که سرمایه اجتماعی بر شبکه‌ها و روابط بین آنها مبتنی است.
- سرمایه انسانی فرض را بر منطق اقتصادی و شفاف بودن اطلاعات قرار می‌دهد، در حالی که سرمایه اجتماعی ارزیابی خود را از دیدگاه ارزش‌ها و هنجاره‌ها می‌گردد که به طور اجتماعی شکل گرفته‌اند.
- سرمایه انسانی داده‌ها را بر اساس سال‌های آموزشی با تعداد ماه‌نهایی افراد اندیشه گیری می‌کند، اما سرمایه اجتماعی استحکام تعهدات و جانبی افراد و گروه‌ها و مشارکت مدنی را به‌عنوان اندیشه گیری قرار
بخشی از انسانی، بازده را بر اساس درآمد فرد و یا سطوح بهره وری اندازه‌گیری می‌کند، در حالی که سرمایه اجتماعی بازده را بر اساس کیفیت زندگی ۱ مورد سنجش قرار می‌دهد.

تاکید بر استحکام تعهدات در جانبه بین افراد و گروه‌ها و مشارکت مدنی، برای اندازه‌گیری داده‌های سرمایه اجتماعی و اندام‌گیری بازده بر اساس متغیرهای کیفیت زندگی که قابل توجهی است که ارتباط سرمایه اجتماعی را با اصلی ترین هدف بنرگ‌های توسعه و ارتقای شاخص‌های اجتماعی، معنی بهبود کیفیت زندگی نشان می‌دهد.

نقش سرمایه اجتماعی در تشکیل سرمایه انسانی‌سازی را نیز اولین بار 

کلمن (۱۹۸۸) مورد بحث قرار داد.

نظریه‌های مختلف سرمایه اجتماعی

یکی از متقدمان طرح نظریه سرمایه اجتماعی را هنی فنن ۲ می‌دانند که در سال ۱۹۷۰ این واژه را مطرح کرد و آنرا شامل دارائی‌هایی می‌دانست که در زندگی روزانه افراد خیلی به حساب می‌آیند، همانند حسن تفایم، رفاقت و دوستی، احساس همدلی، و روابط اجتماعی در بین افراد و خانواده‌هایی که یکی واحد اجتماعی را تشکیل می‌دهند (فلدن، و اساف، ۱۹۹۹). نکته اینجا اینکه، نظریه هنی فن نبرای نیم قرن مسکوت ماند تا در سال ۱۹۸۱ جاکوب ۳ در اثر خود به نام "زندگی و مرگ شهرهای بزرگ آمریکایی" از سرمایه اجتماعی بحث کرد و نقش آن‌ها در ارتباط با حفظ نظارت، برخورد با جرم و جنایت خیابانی در محدوده‌های حومه و قدمی‌شده مطرح کرد. پی. بر بوردیو و پسرن ۴ در سال ۱۹۷۰، گلن لوری ۵ در سال ۱۹۷۷، در آثار خود به بحث در مورد سرمایه اجتماعی پرداخته اند. در طول ۱۰-۱۵ سال گذشته، رابرت پوتنام ۶، جیمز کلمن ۷، و هزار سرمایه اجتماعی اعتبار و آوازه فراوان بخشیده‌اند.

پویتام (۱۹۹۳ در فلدن و اساف؛ ۱۹۹۹) سرمایه اجتماعی را به عنوان مجموعه‌ای از ارتباط‌های افقی بین افراد می‌بیند که همکاری در جهت کسب منافع متقابل را در اجتماع تقویت می‌کند. کلمن (۱۹۸۸) نظریه عمومی تری از سرمایه اجتماعی را مطرح می‌کند که در آن همکاری‌های عمودی هم پوشش داده می‌شود. از نظر کلمن، سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که چگونه ساختار اجتماعی یک گروه می‌تواند به عنوان منبع برای افراد آن گروه عمل کند. وی اعتماد، اطلاعات، انتظار و تعهد در یک گروه را لازم سرمایه اجتماعی می‌داند. کلمن در عمل را در شکل‌های مختلف سرمایه اجتماعی مشترک می‌داند: همه آنها جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی را در بر می‌گیرند و همه آنها انجام اقدام خاصی را توسط عوامل آن تهیه می‌کنند.

سومین و جدیدترین دیدگاه توسعه دگرگاه نورث در سال ۱۹۹۰ ارژش شده است که روابط رسمی و ساختارهایی مانند نهادهای در سطح کلان از جمله حکومت، رسیدگی سیاسی، سیاست‌های حقوقی و نظام دادخواهی را در تعريف خود وارد می‌کند. (نورث، ۱۹۹۰ در فلدن و اساف، ۱۹۹۹.) آنچه که از مرور این نظریه‌ها نتیجه می‌شود، تشخیص سطوح مختلف است که دانشمندان متفاوت، برای بررسی سرمایه اجتماعی در چارچوب نظری سرمایه اجتماعی سطوح مختلف بررسی در چارچوب نظری سرمایه اجتماعی در یکی از مطالعاتی که اخیراً انجام شده است، سه سطح مختلف برای این بررسی شناسایی می‌شود (عمرمال، ۱۹۹۹ در کمپیون اروپا، ۲۰۰۰، ص ۱۹):

- سطح روابط بین افراد، مانند خانواده، دوستان و همسایگان
- سطح انجمن‌ها و سازمان‌ها و استقلال، مانند عضویت باشگاه‌ها که یا و
- احزاب سیاسی.

- نهادهای اجتماعی در سطح کلان.

چارچوب نظری برای سنجش سرمایه اجتماعی در سطح خرد و کلان نیز مورد توجه قرار گرفته است (نورث، ۱۹۹۰ در فلدن و اساف، ۱۹۹۹) سطح کلان، روابط و ساختارهای رسمی مانند قوانین، مقررات، چارچوب‌های حقوقی، رژیم سیاسی، سطح عدم تمرکز و سطح مشابه در فرآیند شکل‌گیری سیاسی را شامل می‌شود.

\[1\text{ Douglas North}\]
( بین وهیکس، 1998). در چارچوب نظریه کم دانشمندان برای سطوح و انواع
سرماهه اجتماعی پیشنهاد می‌کنند، سطح خرد به نقص بالقوه ای اشاره دارد که
سازمان‌های افقی و شبکه‌های اجتماعی در توسعه جوامع دارند. در واقع سطح خرد,
دو نوع سرماهه اجتماعی مورد نظر می‌گیرد: سرماهه اجتماعی شناختی و
سرماهه اجتماعی ساختاری.

آن بستگی از سرماهه اجتماعی که کمتر قابل مرکز انتظارت و به ارزش‌ها، اعتقادات،
ترز تلقی‌ها، رفتار و هنگام‌های اجتماعی اشاره دارد، سرماهه اجتماعی شناختی
نامیده می‌شود. این ارزش‌ها شامل: اعتقاد، همبستگی و اتفاق نظر و بده برای
است که در این اعضاء یک اجتماع مشترک می‌باشد و شرایطی را به وجود می‌آورد که
تحت آن شرایط اجتماعات مختلف می‌توانند برای رضایت به فاصله ای مشترک، باهم
کار کنند.

سرماهه اجتماعی ساختاری شامل تکلیف و عملکرد سازمان‌های رسمی و غیر رسمی
محققی می‌شود که به عنوان ابزاری در جهت تدوین اجتماع خدمت می‌کند. سرماهه
اجتماعی ساختاری، از طریق سازمان‌های افقی و شبکه‌های مشترک می‌گیرد که
فرایندهای تصمیم‌گیری شفاف و جمعی، رهبری پاسخگوی و تجربه عملی از اقدام
جمعی و مسئولیت متقابل دارند.

تا کنون ابزارهای ارزیابی سرماهه اجتماعی نیز عملاً به اندازه‌گیری شاخه‌های
بر شمرده در سطح خرد پرداخته‌اند.

ارتباط سازندگان بین سطح کلان و خرد سرماهه اجتماعی از اهمیت بسیاری بر خوردار
است و نیازهای ای ارتقاء منجر به درهم ریختن اعتقادی به شود که اصلی ترین عنصر
تشکیل دهنده سرماهه اجتماعی است.

ناراوان ۴ در چار می‌توان به تحلیلی که در سال ۱۹۹۹ طراحی کرده است، بین
سرماهه اجتماعی در سطوح مختلف تماشای قابلیتی می‌شود و بر اساس عملکرد کلی
موسسات دولتی (کمی در برای ضعیف) که سطح سرمایه در صورت که در چارچوب پیشنهادی
ناراوان تشکیل می‌دهد و بالا و پبادیه بینایی گروهی ۵ کم در مقابل زیادی که از
نظری نوع از دوی سرماهه اجتماعی است، چهره نوع جامعه را مشخص می‌کند و آنها را

۱. Solidarity and reciprocity
۲. Collective and transparent decision making processes
۳. Accountable leaders
۴. Narayan
۵. Density of mass - cutting ties
با عبارات رفاه، مستثنی سازی، کنار آمدن و تعارض، از یک‌دیگر متمایز می‌سازد. به طور مثال، در جامعه ای که عملکرد کلی موسسات دولتی قوی است و پوند بین‌افنی گروه‌ها نیز بی‌اختیار است، معرف جامعه ای است که به رفاه مشخص می‌شود. مستثنی سازی، مشخص جامعه ای می‌باشد که در این عملکرد موسسات دولتی قوی است، وی سرمایه‌ای اجتماعی بین گروه‌ها که نارایان آن‌ها سرمایه‌ای اجتماعی پایین‌دهنده می‌باشد، کم است. به اعتقاد نارایان در این نوع جامعه، گروه‌های اجتماعی مقدار با مستثنی کردن ساب گروه‌ها ساختارهای حکومتی را مسلم می‌کند.

دولتهای غیر کارآمد با عملکرد ضعیف و اما پوندهای قوی بین گروه‌های اجتماعی، معرف جامعه ای هستند که با کنار آمدن و تحلیل کردن مشخص می‌شود. در این جامعه، گروه‌های غیر رسمی چاپگیرین نهادهای رسمی می‌شوند. نارایان (1999)، جامعه با عملکرد ضعیف موسسات دولتی و گروه‌های اجتماعی مشترک را با ویژگی تعارض مشخص می‌کند.

سرمایه اجتماعی، اعتقاد و مشکلات اجتماعی

سرمایه اجتماعی در مورد میلیون فاصله ساخته شده، جهان ایده آلی که همه می‌خوره هستیم و رفتارمان مناسب است، بلکه در مورد اندازه گیری کیفیت روابطی بیشتر می‌کنند که امکان دارد رفاه را افزایش یا کاهش دهد. (کاکس، 1997)؛ سرمایه اجتماعی در سطح فرد قابل اندازه‌گیری نیست، بلکه از روابط و انتظارات تشکیل می‌شود و از طریق روابط اجتماعی انبثبات یا پراکندگی می‌شود. کاکس می‌افزود که اگر به یک‌دیگر اعتقاد داشته باشیم، روابط ما با خانواده، دوستان، همسایگان، همکاران، بیماران، مرابین بهداشتی هم گروه‌ها و اجتماعات مختلف موترتر می‌شود. هر جامعه که به اعتقاد غیر قابل اعتقاد زیادی دارد که فاقد تجارب و انتظارات مثبت هستند، در مورد پیروی از قوانین، جرم، خودکشی، خشونت، شرایط بهداشتی و سایر مشکلات اجتماعی اختلالات اساسی دارد. کاکس در بحث‌های خود تبنیه یک گرد که اگر جامعه ای با مشکلات اجتماعی محدودی دست به گریبان است، سطح سرمایه اجتماعی در کل جامعه یا در بین گروه‌های فرعی خاصی پایین است.

1. Well – being
2. Exclusion
3. Coping
4. Narayan
5. Bridging social capital
6. Social problems
فوكیا (1997) نیز به ارتباط سرمایه اجتماعی و مشکلات اجتماعی اشاره‌ای مستقيم دارد و یکی از راههای اناندازه گنری سرمایه اجتماعی را استفاده از آمارهای انحرافات اجتماعی از قبیل میزان جرم و جنایت، فروپاشی خانواده، مصرف مواد مخدر، طرح دعاوی، خودکشی، فرآیند از پرداخت ملایمی و سایر مشکلات اجتماعی می‌داند. به عبارت دیگر، وجود مشکلات اجتماعی مختلف را نشانه‌ای از نبود سرمایه اجتماعی می‌شناشد و در واقع این روش را چنگل‌گذاری سنجش و اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی به عنوان یک ارزش مثبت می‌داند.

بحث از اعتماد و اهمیت آن برای تحقیقات فوكیا از جایگاه ورژه ای برخوردار است. وی سرمایه اجتماعی را "ذخیره جامعه از از شرکت مشترک" می‌داند. براون و اشمن (1996) نیز ارتباط مشارکت، سرمایه اجتماعی و حل مشاهدات در سطح بین‌بخشی را مورد بررسی قرار می‌دهند. کاسک (1999) هم با تاکید بر اهمیت عامل اعتماد در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی، این نکته را مطرح می‌کند که خیلی مسئولیت است که جامعیت را متقاعد کنیم تا مسکن زندگی سالم‌تری را پیش بگیریم. اگر پیام از سوی افرادی باشد که اعتمداد زیبای نسبت به آنها وجود ندارد. سطح پایین اعتمداد موجب رفتار ضد اجتماعی می‌شود. اعتمداد برای پذیرش قوانین لازم است. کاسک افتخار آوراد که وقتی تمرکز بر تغییر رفتار گروه‌های فرعی در درون یک گروه مشخص است، تغییر در رفتار محتمل نیست مگر درجه‌ای از اعتمداد اجتماعی و مدنی و وجود داشته باشد، در غیر این صورت، متانی اختبار و قدرت از هیچ گونه اختبار و احترامی برخوردار نخواهد بود که به آن متکی باشد.

بنابراین، منوجه می‌شود که کمیت و کیفیت اعتمداد در هر جامعه‌ای نقش کلیدی در میزان سرمایه اجتماعی آن جامعه دارد. با در نظر داشتن رابطه سرمایه اجتماعی و مشکلات اجتماعی که به آن اشاره شد، شناسایی اشکال مختلف تبییر این عامل، یعنی اعتمداد در سطح خرد و کلان می‌تواند به گذشت متاب سرمایه اجتماعی مثل خانواده‌ها، اجتماعات مختلف، واقع‌های کوچک کاری و جامعه مدني بینجامد و در نتیجه افزایش سرمایه اجتماعی نیز شاهد بروز تعداد کمتری از مشکلات و انحرافات اجتماعی باشد.
جمع بندي بحث

استفاده رو به گسترش از وازه سرمایه اجتماعی و بحث در مورد آن در قلمروهای مختلف علوم اجتماعی، اقتصاد و علوم سیاسی، بحثهای توسعه پايدار و طراحی نظام های مربوط به تدوين شاخص های اجتماعی توسط سازمانهای تخصصي جهاني طي سالهای اخیر، حاکی از پذيرش نقش اجتماعي ناپايدار اين نوع سرمایه و لزوم بررسی و اندوزه گيري آن در كنار سایر انواع سرمایه های طبيعي، فيزيكي و انساني به ملاحظه افزايش كيفيت زندگي، رفاه اجتماعي و تحقق توسعه پايدار در جوامع مختلف است. اما سرمایه اجتماعي چيست؟ ابعاد مختلف و مفاهيم اساسي آن كدام است؟ سرمایه اجتماعي چه تفاوتی با سرمایه انساني دارد؟ سرمایه اجتماعي در كدام شارچوجه نظري مورد بحث و تجربه و تحليل قرار مي گيرد؟ و در نهایت، چه رابطه اي بين سرمایه اجتماعي و مشكلات اجتماعي وجود دارد؟ در اين مقاله سعی شده تا با استفاده از نتایج بررسی گسترده اي که بر روی استاد و مدارک نظري و يافته هاي پژوهشي محققان معين جهانی در زمينه مورد بحث انجام گرفت، به پرسشنامه فوري به اجمال پاسخ داده شود. امید است طرح مباحثي که در اين مقاله آمده، توجه استادان و محققان دانش پژوه و دانشجویان علاقه مند را به لزوم انجام مطالعات گسترده تر در زمينه سرمایه اجتماعي جلب كند.

منابع

Bain, K. and Hicks, N. (1998), Building social capital and reaching out to excluded groups: The challenge of partnerships, Paper presented at CELAM meeting on the struggle against poverty towards the turn of the Millenium, Washington D.C.


Bullen.P., and Onyx,J.(1999),Social capital: family support services and neighbourhood and community centres in NSW.


Fukuyama, F. (1999), Social capital and civil society, the institute of public policy, George Manson University, prepared for delivery at the IMI conference on second generation reforms.


OECD (2001), The well-being of nations: The role of human and social capital, OECD.


World Bank (1997), Expanding the measure of wealth: Indicators of environmentally sustainable development, Environmentally sustainable development studies and monograph series, No. 17, Washington D.C.